

عنوان مقاله:

کاربست تطبیقی مفهوم آگاهی طبقاتی لوکاچ در داستان های «فتحنامه مغان» هوشنگ گلشیری و «داستانی از وال استریت» هرمان ملویل

محل انتشار:

دوفصلنامه نقد زبان و ادبیات خارجی، دوره 18، شماره 27 (سال: 1400)

تعداد صفحات اصل مقاله: 24

نویسندگان:

عبدالباقی رضایی تالار پشته - استادیار ادبیات انگلیسی دانشگاه گلستان

بهزاد پورقریب - استادیار زبان و ادبیات انگلیسی - دانشگاه گلستان

خلاصه مقاله:

«آگاهی طبقاتی» گئورگ لوکاچ از فلسفه و سیاست به نقد ادبی راه یافت. گونه های اصیل یا کاذبی در حوزه شناخت مفهوم «آگاهی» وجود دارد که شناخت دقیق آن را دشوار می کند اما ادبیات با ارائه نمونه های عینی و مبتنی بر تجربه زیسته فهم دقیق تری از این مقوله به دست می دهد. در تبیین این موضوع دو داستان برگزیده شد. در این داستان ها می توان نشانه های آگاهی طبقاتی را در وجه استعاری در زندگی شخصیت های اصلی داستان مشاهده کرد. داستان های بررسی شده در این مقاله دو داستان انقلابی اند که در شخصیت های اصلی، ظهور آگاهی طبقاتی با مولفه های بسیاری به وضوح دیده می شود. روش تحقیق صوری، تطبیقی و روش شناسی مفهومی آن دیالکتیکی است. نتایج نشان می دهد «برات» در فتحنامه مغان و «بارتلی» در «داستانی از وال استریت» علاوه بر این که درگیر فرایند سیوروت آگاهی اند؛ به سوژه های فعال اجتماعی بدل می شوند. قهرمان داستان گلشیری درگیر فرایند ساخته شدن و انهدام همزمان آگاهی است و سوژه داستان ملویل در فرایند شکل گیری آگاهی خاص از منظری جدیدی است. «برات» عرصه ظهور آگاهی را انقلاب سیاسی می داند، این آگاهی در ساحت غیرمولد باقی می ماند و «بارتلی» این عرصه را زمینه مناسبات تولید سرمایه داری می داند. شباهت این دو در این باور است که آگاهی از فرد به جمع تسری می یابد.

کلمات کلیدی:

آگاهی طبقاتی، آگاهی کاذب، ایدئولوژی، فتحنامه مغان، داستانی از وال استریت، سوژه آگاهی

لینک ثابت مقاله در پایگاه سیویلیکا:

<https://civilica.com/doc/1411346>

